

جستاری در دیدگاه‌ها؛ فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی بر روی شهرها باتأکید بر توسعه پایدار شهری

یونس شاکری*

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی دیدگاه‌های جمعیتی، فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی پیش‌روی شهرهاست؛ یعنی مسائلی که در راستای ارتباط منطقی جمعیت با شهرها مطرح می‌باشد و برنامه‌ریزان و مدیران شهری برای برنامه‌ریزی در شهرها و خدمات‌رسانی هرچه بهتر به شهروندان باید آنها را مدنظر قرار دهند. از یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد: نظر خوش‌بینانه به افزایش جمعیت در صورت آماده‌سازی بسترهای لازم برای آن، توزیع مناسب فضایی جمعیت در سطح شهرها و برقراری عدالت اجتماعی در سطح شهرها، و افزایش جمعیت فعلی کشور به دلیل روند پیر شدن جمعیت کشور در سال‌های آتی.

مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از کتب، مقالات، گزارش‌ها و اسناد به بررسی دیدگاه‌های مختلف جمعیتی و فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی و اثرات آن بر روی محیط شهری پرداخته و در پایان برای رسیدن به شهرهای پایدار راهکارهایی ارائه نموده است.

کلیدواژه‌ها: شهر، شهر پایدار، دیدگاه‌های جمعیتی، خدمات شهری، توسعه پایدار.

مقدمه

و کلانشهرهای ما فرصت است یا چالش؟ برای پاسخ به این سؤال، باید جنبه‌های مختلف جمعیت را بررسی کرده و از دل آن به فرصت‌ها و چالش‌های موجود در افزایش جمعیت شهری اشاره کرد. از آنجاکه هر شهر ظرفیت و گنجایش خاصی برای شهرنشینان دارد، بنابراین، محیط شهری در برابر سیل عظیم جمعیت انسانی زانو خم کرده و برای پاسخ به نیازهای ساکنانش درمانده خواهد شد. همین امر موجب شده که فشاری مضاعف بر روی محیط شهری وارد شود و مشکلات عدیده‌ای از جمله ترافیک سنگین، عدم ارائه امکانات و تسهیلات مناسب برای شهروندان، بیکاری، بزهکاری، جنایت و... را در پی خواهد داشت. اینجاست که باید برنامه‌ریزان شهری، مدیران شهری و دولت با برنامه‌های دقیق سیاست‌هایی به منظور جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه از روستاها به شهرها اتخاذ کنند تا بتوانند جمعیت متناسب با گنجایش و ظرفیت هریک از شهرها را در آنها جای دهند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

بررسی آمار و ارقام جمعیتی نشان می‌دهد که تا سال ۱۴۰۰ شمسی، جمعیت شهرهای ۱۰۰۰۰۰ نفره با بالا از حدود ۱۸ میلیون نفر در سال ۶۵ به بیش از ۷۰ میلیون نفر، و جمعیت شهری کشور از ۵۵ میلیون کنونی به ۹۹ تا ۱۱۰ میلیون نفر خواهد رسید و شبکه‌های متعدد به هم پیوسته شهری ایجاد خواهد شد که از هم‌اکنون تعدادی از آنها شکل گرفته است. آماده شدن برای یافتن راه‌حل‌های ممکن برای برنامه‌ریزی چنین مجموعه‌های بزرگ جمعیتی، لزوم

جمعیت منبع فناپذیر و خلاقه‌ای است که می‌تواند نقش قاطعی در تحقق برنامه‌های اقتصادی - اجتماعی کشور ایفا کند. رابطه منطقی بین جمعیت و توسعه باعث توسعه هماهنگ اقتصادی و اجتماعی، اعتلای سطح زندگی و بهروزی مردم، تأمین سلامتی مادران و نوزادان، ایجاد محیط مساعد برای تحصیل و کار زنان، فراهم ساختن امکانات و بهبود شرایط تحصیل نسل‌های آینده، توجه به حقوق بشر و جلوگیری از جنگ و جدال‌ها شده، حراست از محیط‌زیست، منابع حیاتی و دستاوردهای انسانی را نوید می‌دهد. در کشور ما توجه به جمعیت در برنامه‌ریزی‌ها، بعد از جنگ جهانی دوم آغاز شده است. در برنامه عمرانی اول اشارات مختصری به جمعیت و اثرات آن در توسعه اقتصادی دیده شده می‌شود. ولی از برنامه‌های عمرانی دوم به بعد جمعیت به عنوان یکی از زیربنای فکری و سیاسی برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی درآمده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، جمعیت مهم‌ترین سرمایه کشور تلقی شد و با توجه به زیربنای عقیدتی، میزان افزایش سالانه آن نیز بالا رفت، به گونه‌ای که ایران دهه ۱۳۷۰ یکی از بالاترین میزان‌های رشد جمعیت را دارا بود (ساعی‌ارسی، ۱۳۸۹، ص ۷۰). مقوله جمعیت همیشه مدنظر حکومت‌ها و دولت‌ها بوده است. از آن‌رو که جمعیت شهرنشین روز به روز به دلایل مختلف مهاجرتی افزایش پیدا می‌کند، مدیران و برنامه‌ریزان شهری باید با تدبیری ویژه در پی رفع نیازهای شهرنشینان باشند. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا افزایش یا کاهش جمعیت شهرنشین در شهرها

مطالعه جدی‌تر را در زمینه دورنمای توسعه اقتصادی کشور، فراهم کردن امکانات زیست و اشتغال و برنامه‌ریزی‌های جامع جمعیت و شهرنشینی مطرح می‌سازد (ساعی‌ارسی، ۱۳۸۹، ص ۷۱). در هر جای جهان و در هر کشور و شهری، جمعیت آن می‌تواند به‌عنوان نقطه قوت و یا ضعف آن محسوب شود. آن چیزی که در این میان اهمیت دارد این است که چگونه از این جمعیت استفاده شود. یک جامعه می‌تواند با به‌کارگیری منطقی و صحیح و ایجاد زیرساخت‌های لازم جمعیتی مسیر خود را به‌سوی پیشرفت سوق دهد و از طرفی، جامعه بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های جمعیتی و نداشتن برنامه‌ریزی دقیق به‌سوی رکود و هرج و مرج کشانده می‌شود. اهمیت این موضوع تا آنجاست که از جمعیت به‌منزله موتور محرکه شهر یاد می‌شود و این جمعیت است که می‌تواند حیات اقتصادی شهر را پویا و فعال کند.

اهداف تحقیق

در این تحقیق به دنبال اهداف زیر خواهیم بود:

۱. بررسی دیدگاه‌های جمعیتی؛ ۲. تشریح فرصت‌ها و چالش‌های جمعیتی فراروی شهرها؛
۳. ارائه راهکارهایی برای متعادل ساختن جمعیت با محیط شهری.

سؤالات تحقیق

سؤالات تحقیق، به قرار ذیل می‌باشند:

آیا افزایش جمعیت برای شهرهای کشور، فرصت محسوب می‌شود یا چالش؟

آیا کمبود جمعیت کشور، یک فرصت است یا چالش؟

پیشینه پژوهش

در ارتباط با جمعیت، بحث‌های فراوانی در کشور صورت گرفته است که تغییرات و تحولات جمعیتی شهرها و روستاهای کشور را مورد بررسی قرار داده است. نویسندگان مختلفی در حوزه‌های مشابه موضوع مورد تحقیق، مقاله‌ها و کتاب‌های گوناگونی را تحریر نموده‌اند.

مینایی و زهدی در مقاله‌ای به نام «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، از جمعیت به‌عنوان عنصری مهم در مطالعات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی و اقتصادی، و نیز به‌عنوان یکی از منابع قدرت یاد می‌کنند و تغییرات آن را برای سیاست‌گذاران قابل اعتنا می‌دانند (مینایی و زهدی، ۱۳۹۱). همچنین قربانی و همکاران در مقاله «بررسی تغییرات جمعیتی و اثرگذاری‌های آن بر تغییرات کاربری اراضی» (مطالعه موردی: منطقه بالاظالقان)، از عامل جمعیت به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار بر تغییرات کاربری اراضی یاد شده است (قربانی و همکاران، ۱۳۸۹).

مبانی نظری تحقیق

تعاریف و مفاهیم

۱. مهاجرت معکوس: مهاجرت به معنای ترک سرزمین، وطن و دیار مادری (اصلی) خود به سرزمین (شهر و یا کشور) دیگر به و اسکان و زندگی در آن منظور دستیابی به اهداف موردنظر خود می‌باشد. این اهداف می‌تواند اقتصادی، سیاسی و یا دینی باشد. مهاجرت گاه به‌صورت اختیاری و گاهی نیز اجباری است. با توجه به مفهوم مهاجرت، بازگشت مجدد

در تعریف شهر پایدار، ساترث ویت در بحث آگاهانه خود درباره شهر پایدار، از ضرورت جست‌وجوی شهرها و نواحی روستایی سخن به میان می‌آورد که در آنجا نیازهای ساکنان به توسعه بدون تحمیل کردن تقاضاهای ناپایدار بر منابع و نظام‌های طبیعی و محلی یا جهانی برآورده شود (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴، ص ۲۱۹). در شهر پایدار، بیشترین توجه پیرامون استفاده مفیدتر از زمین‌هایی است که زیر پوشش توسعه شهری درآمده است. پایداری در شهر برای اینکه از ارزش موردنیاز برخوردار باشد، باید افزون بر جنبه‌های زیست‌محیطی، جنبه‌های اجتماعی را دربرگیرد. شهر پایدار، آلودگی، ازدحام و شلوغی، بی‌هویتی، بیگانگی، بی‌روحي و دوری از طبیعت را از شهر می‌گیرد و محیط‌های قابل پیاده‌روی، فعال، پرتحرک و اجتماعی را پدید می‌آورد (پورموسوی، ۱۳۸۵، ص ۳۹). نظریه توسعه پایدار شهری با تأکید بر حفظ محیط‌زیست شهری، آسایش شهروندان را مورد توجه قرار داده است. بنابراین، تمام تلاش هواداران این نظریه، در راستای سلامت شهروندان و جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست شهری است. مفهوم اصلی توسعه پایدار شهری توسط پیتروال این‌گونه تعریف می‌شود: شکلی از توسعه‌امروزی که توان توسعه همیشگی شهرها و جوامع شهری نسل‌های آینده را تضمین کند. از نظر کالبدی، توسعه پایدار شهری یعنی اینکه تغییراتی در کاربری زمین و سطوح متراکم برای برآوردن نیازهای ساکنان شهر در زمینه مسکن، حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا به عمل آید (همان، ص ۳۷). در شهرهایی که به معیارهای توسعه پایدار توجه می‌شود، وابستگی به اتومبیل در

مهاجران به موطن اصلی خود برای زندگی به دلایل گوناگون، که مهم‌ترین آن توسعه زیرساخت‌ها و امکانات زیربنایی برای فعالیت‌های اقتصادی و رشد و پیشرفت فرهنگی و سیاسی در منطقه مهاجرفرست می‌باشد، منجر به بروز پدیده «مهاجرت معکوس» می‌شود. مهاجرت معکوس در ایران بیشتر به بازگشت مردم از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و یا از شهرها به مناطق روستایی مربوط می‌شود. درحالی‌که در سطح بین‌المللی، بازگشت مهاجران از کشور مقصد به موطن اصلی خودشان، یعنی کشور مهاجرفرست، را مهاجرت معکوس می‌گویند (www.wikipedia.org).

۲. شهر: به طور کلی، شهر را می‌توان مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی، محیط‌های انسان‌ساخت که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده است تعریف کرد (شیعه، ۱۳۸۳، ص ۴).

۳. شهر پایدار: شهر پایدار شهری است آرمانی که بتواند سرپناه و آسایشگاهی برای انسان فراهم نماید، به گونه‌ای که بتواند تمامی نیازهای ساکنانش را فراهم سازد. در اروپا و آمریکای شمالی، دولت‌ها و برنامه‌ریزان، شهر فشرده را تشویق می‌کنند که زندگی کردن در تراکم زیاد را تسهیل و جمعیت را به بازگشت به محله‌های قدیمی درون شهر تشویق می‌کند، و به این وسیله، زمان سفر از خانه به محل کار را کوتاه و از مصرف انرژی می‌کاهند (پاتر و ایونز، ۱۳۸۴، ص ۲۹۰). در تعریفی دیگر آمده: شهر پایدار شهری است، که به دلیل استفاده اقتصادی از منابع، اجتناب از تولید بیش از حد ضایعات و بازیافت آن تا حد امکان و پذیرش سیاست‌های درازمدت، بتواند به حیات شهری خود ادامه دهد (رهنما، ۱۳۸۸، ص ۷۰).

فرهنگی نامتعادل خواهد بود؛ چنان‌که نمونه بارز آن را در شکست مدرنیسم در عرصه معماری و شهرسازی می‌بینیم. زندگی شهری با توسعه شهرنشینی نیاز به رهیافتی فرهنگی - اجتماعی دارد که این رهیافت همان رهیافت فرهنگی - اجتماعی است (مرصوصی و بهرامی، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

ج. شاخص‌های اقتصادی: برای هر شهر باید ظرفیت‌های اقتصادی را با دقت در نظر بگیریم و توانایی‌های بالقوه آن را برای رشد و توسعه پیدا کنیم. اگر بخواهیم برای تحول اقتصادی و رونق اقتصادی شهر خود برنامه داشته باشیم، باید مطالعات توسعه شهری را افزایش دهیم (کاظمی، ۱۳۸۰، ص ۶۵).

د. شاخص فناوری: در کشورهای در حال توسعه، فناوری اطلاعات در مدیریت توسعه شهری موضوعی نسبتاً جدید است. تولید، پردازش و توزیع اطلاعات، یکی از مشکلات اساسی برنامه‌ریزان و مدیریت توسعه شهری است؛ زیرا در این فرایند برای شناخت وضع موجود شهرها، بیشتر سرمایه و نیروی انسانی صرف گردآوری اطلاعات آشفته، پراکنده و ناهماهنگ می‌شود. در فرایند تصمیم‌گیری درباره شهر، باید اطلاعات اصلی درباره زمین، املاک، زیرساخت‌ها و وضعیت زیست‌محیطی شهروندسترسی وجود داشته باشد (قدیمی، ۱۳۷۹، ص ۱۵).

ه. شاخص زیست‌محیطی: شهر به‌عنوان یک واحد اکولوژیکی رابطه دقیق میان انسان و محیط را در خود نهفته دارد که در آن، تحت تأثیر عواملی همچون زمان و مکان قرار می‌گیرد، به‌گونه‌ای که در جوامعی با محدودیت‌های محیطی و تکنولوژیکی، غلبه طبیعت بر انسان بیشتر بوده است و بعکس. هرچند در جامعه آرمانی رابطه میان انسان و محیط باید به‌گونه‌ای باشد

آنها کمتر است، متمرکزند و استفاده از زمین در آنها متراکم‌تر است؛ یعنی اینکه جمعیت و محل‌های اشتغال بیشتری در هر واحد سطح متمرکزند. در این شهرها مردم گرایش بیشتری به پیاده‌روی، دوچرخه سواری و استفاده از حمل و نقل عمومی دارند (برآبادی، ۱۳۸۳، ص ۴۶).

۴. شاخص‌های توسعه پایدار شهری: با توجه به مطالعات گسترده مرتبط با تحولات شهری در نقاط مختلف جهان، شاخص‌های متعددی در زمینه‌های ساختاری مانند فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، فناوری و گردشگری معرفی شده و در مورد شهرهای بزرگ مورد بررسی قرار گرفته است.

الف. شاخص سیاسی: تأثیر دگرگونی‌های سیاسی در توسعه شهرها در کشور ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در جهانی که شهرنشینی در آن رو به گسترش است، اغلب دگرگونی‌ها در شهرها به وقوع می‌پیوندد. مشارکت به معنای میثاق نوین اجتماعی عبارت از اشکال گوناگون اداره امور شهری، ضرورت ابداع روش‌های جدید مشورت با مردم و تمرکززدایی در مدیریت و تصمیم‌گیری، تقسیم کلان شهرها به اجتماعات کوچک‌تر و طراحی اشکال جدیدی برای حاکمیت در شهرهای بزرگ و مناطق شهری است (نوریان، ۱۳۷۹، ص ۹۶).

ب. شاخص اجتماعی - فرهنگی: توسعه اجتماعی - فرهنگی پوششی درازمدت است که به واسطه ارگان‌های رسمی و غیررسمی در جامعه تحقق می‌یابد و رفته‌رفته آثار خود را در جامعه ظاهر می‌کند. توسعه شهری زمانی پویا خواهد بود که در ارتباط نزدیک با توسعه فرهنگی و در واقع، بخشی جدایی‌ناپذیر از آن باشد. حیات کالبدی بدون توسعه

که هیچ‌یک مقهور دیگری نباشد و این امر مورد توجه توسعه پایدار نیز می‌باشد (موحد، ۱۳۷۹، ص ۴۳).
 جدول ۱: جنبه‌های یک محیط ساخته‌شده پایدار

کاربری زمین و فرم ساخته‌شده	نگهداری از انرژی محیطی	باز یافت و استفاده دوباره محیطی	ارتباط و حمل و نقل
- استفاده فشرده از زمین شهری - شبکه‌های دالان‌های سبز - ایجاد اجتماعات محلی خودمدریتی - ترکیبی از کاربری‌ها با تراکم بالا - مسکن در استطاعت - هویت محلی - مصالح ساختمانی پایدار - طراحی انعطاف‌پذیر و استانداردهای فضایی خوب	- ترکیب نیرو و گرما - تولید نیروی محلی - تولید خرده نیرو - انرژی تجدیدپذیر - کاهش مصرف انرژی و انرژی مدنظر - سطوح بالای عایق کاری - روش‌نایی هوشمند و امنیت، گرمایش و سیستم فناوری و اطلاعات یکپارچه - داشتن کالاهای برجسب انرژی سفید - داشتن رتبه‌بندی محیطی به‌عنوان مثال معماری مسکن دارای رتبه عالی	- سیستم‌های خاکستری آب - بازیافت آب برای باغداری و ماشین شویی - استفاده دوباره آب و تصفیه، برای نگهداری از پارک‌ها یا فضاهای سبز - بازیافت زباله، و استفاده برای تولید بیوگاز - کاهش و تولید زباله‌ها - الگوی زندگی بدون کربن - توانمند کردن فناوری اطلاعات	- مسیرهای خطویژه، اتوبوس‌های سازگار با محیط‌زیست و راه‌های دوچرخه‌رو - باشگاه‌های خودرو و تسهیلات دوچرخه - زیرساخت‌های پیاده‌مدار - محدودیت پارکینگ خودرو - پیاده‌روی زیست‌محیطی اتوبوس/حمل و نقل بار، انرژی و آب - توانمند کردن فناوری اطلاعات

مأخذ (Jenks & Jones, 2010, p. 3)

۵. جنبه‌های ناپایداری شهر: در خصوص جنبه‌های ناپایداری شهر، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:
 - افزایش پیامدهای نامناسب زیست‌محیطی؛
 - تراکم بالا و شلوغی؛
 - هدر رفتن انرژی و زمان؛
 - بهره‌برداری بیش از حد از منابع تجدیدناپذیر؛
 - ترافیک بالا به‌ویژه در مرکز شهر (برآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵).

۱. جستاری در نظریه‌های مربوط به رشد جمعیت

به‌طور کلی، فرایند رشد جمعیت به سه دوره یا مرحله «پیشامدرن»، «مدرن» و «فرامدرن» قابل تقسیم می‌باشد. دوره پیشامدرن، دوره‌ای است که اگرچه میزان مولید بالاست، اما به دلیل عدم توان مقابله با بیماری‌های واگیردار و شیوع این بیماری‌ها، نبود امکانات بهداشتی و رفاهی و سوء تغذیه، مرگ و میر نیز در سطح بالایی قرار داشت. در دوره پیشامدرن بین مولید و مرگ توازن و تعادل طبیعی ایجاد می‌گردید. حتی برخی از مناطق با کم جمعیتی مواجه می‌شدند. در دوره مدرن با پیشرفت علم، دانش و کشف داروهای جدید و مصونیت در مقابل بیماری‌های واگیردار و در کنار آن، انقلاب سبز و افزایش تولیدات زراعی و دامی، مرحله جدیدی از فرایند رشد جمعیت را شاهد هستیم. در این دوره، میزان مرگ و میر نسبت به مولید رو به نقصان گذاشت و افزایش شتابان جمعیت آغاز شد که با گذشت زمان، برخی از مناطق جهان با بحران پرجمعیتی مواجه شدند. در دوره سوم یا مرحله فرامدرن، اگرچه میزان مرگ و میر در سطح پایینی قرار دارد، اما به همان نسبت میزان مولید نیز کاهش می‌یابد و مجدداً وارد

مرحله ثبات و سکون جمعیت خواهیم شد که نمود آن را هم‌اکنون در کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله کشورهای اروپایی شاهد هستیم.

در مورد چگونگی رشد جمعیت نیز نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. این رویکردها را می‌توان در سه گروه طرف‌داران رشد و ازدیاد جمعیت، مخالفان رشد جمعیت یا موافقان محدودیت رشد، و هواداران جمعیت ثابت تقسیم‌بندی نمود. برخی از پژوهشگران و سیاست‌گذاران که نگرش کمی به مقوله جمعیت دارند، به دلیل تأکید بر شاخص‌های کمی که مربوط به دوران پیشامدرن است، نه تنها با رشد جمعیت مخالفتی ندارند، بلکه افزایش جمعیت را ضروری می‌دانند و رشد فزاینده جمعیت را توجیه می‌نمایند. جامعه‌شناسانی نظیر اگوست کنت، امیل دورکهایم و آرسن دومون طرفدار ازدیاد جمعیت بوده‌اند (کتابی، ۱۳۶۴). دورکهایم در رساله تقسیم‌کار اجتماعی، با تأکید بر افزایش حجم و تراکم جمعیت، بر این باور است که توسعه کمی جمعیت موجبات تقسیم‌کار اجتماعی بیشتر و بهتر را فراهم می‌آورد و این تقسیم‌کار به نوبه خود، منشأ ایجاد تکامل در مظاهر مختلف زندگی می‌گردد (بهنام، ۱۳۶۸). پیروان مکتب سوداگری (مرکانتلیست‌ها) از جمله ویلیام تمپل (William temple) عموماً از کثرت جمعیت طرفداری می‌کردند. تمپل در کتابی تحت عنوان *ملاحظات در باره هلند در سال ۱۶۷۳* عنوان می‌دارد که ازدیاد جمعیت نشانه ثروت است. به اعتقاد وی، وقتی تعداد جمعیت یک کشور کم باشد، افراد آن به آسانی آذوقه خود را تأمین می‌کنند و به همین خاطر، به تنبلی و بیکاری متمایل می‌شوند، اما اگر جمعیت متراکم باشد، مردم از روی الزام و اجبار به کار و

فعالیت خواهند پرداخت. مون‌کرتین (Mon Keratin) که یک مرکانتلیست صنعتی است نیز بر این باور است که انسان تنها یک رعیت یا سرباز نیست، بلکه یک نفر تولیدکننده است. توکر (Tucker) از همفکران این نحله فکری هم عنوان می‌دارد که بین ازدیاد جمعیت و افزایش میزان اشتغال و توسعه اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد. فیزیوکرات‌ها هم که به قابلیت تولید زمین اعتقاد ویژه‌ای داشتند، به پدیده رشد و افزایش جمعیت با نظر موافق می‌نگریستند. آدلف کست (Adolph Coast)، باستیه (Beastie)، مارکس دوسیرابو (Marks Dousirabo) و سربو استروپ (Serbo Strop) نیز از جمله موافقان رشد جمعیت به‌شمار می‌آیند. آدلف کست افزایش جمعیت را یکی از معیارهای مهم افزایش رفاه عمومی قلمداد می‌کند. باستیه بر این باور است که از افزایش جمعیت نباید نگران بود؛ چراکه هر فرد دارای دو بازوی آهنین و یک مغز پولادین است و می‌تواند بر مقدار تولید بیفزاید. مارکس دوسیرابو بر این عقیده است که جمعیت و مواد غذایی با تأثیرات متقابل، افزایش یکدیگر را باعث می‌شوند. افزایش جمعیت در واقع، انگیزه‌ای در تحول و تکاپوی انسان‌ها برای پیشرفت و استفاده صحیح از منابع بالقوه است (کلاهی، ۱۳۴۹). سربو استروپ با ارائه نظریه «انتقال جمعیت»، عنوان می‌کند که نوسازی کشاورزی که خود نتیجه تحولات تکنیکی، اقتصادی و اجتماعی است، اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه جامعه در معرض فشار جمعیتی قرار گیرد (الهی، ۱۳۶۷).

مخالفت با رشد فزاینده جمعیت نیز از قدمتی دیرینه برخوردار است. فلاسفه و صاحب‌نظران حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی از دیرباز با رشد

در مورد چگونگی رشد جمعیت نیز نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. این رویکردها را می‌توان در سه گروه طرف‌داران رشد و ازدیاد جمعیت، مخالفان رشد جمعیت یا موافقان محدودیت رشد، و هواداران جمعیت ثابت تقسیم‌بندی نمود. برخی از پژوهشگران و سیاست‌گذاران که نگرش کمی به مقوله جمعیت دارند، به دلیل تأکید بر شاخص‌های کمی که مربوط به دوران پیشامدرن است، نه تنها با رشد جمعیت مخالفتی ندارند، بلکه افزایش جمعیت را ضروری می‌دانند و رشد فزاینده جمعیت را توجیه می‌نمایند. جامعه‌شناسانی نظیر اگوست کنت، امیل دورکهایم و آرسن دومون طرفدار ازدیاد جمعیت بوده‌اند (کتابی، ۱۳۶۴). دورکهایم در رساله تقسیم‌کار اجتماعی، با تأکید بر افزایش حجم و تراکم جمعیت، بر این باور است که توسعه کمی جمعیت موجبات تقسیم‌کار اجتماعی بیشتر و بهتر را فراهم می‌آورد و این تقسیم‌کار به نوبه خود، منشأ ایجاد تکامل در مظاهر مختلف زندگی می‌گردد (بهنام، ۱۳۶۸). پیروان مکتب سوداگری (مرکانتلیست‌ها) از جمله ویلیام تمپل (William temple) عموماً از کثرت جمعیت طرفداری می‌کردند. تمپل در کتابی تحت عنوان *ملاحظات در باره هلند در سال ۱۶۷۳* عنوان می‌دارد که ازدیاد جمعیت نشانه ثروت است. به اعتقاد وی، وقتی تعداد جمعیت یک کشور کم باشد، افراد آن به آسانی آذوقه خود را تأمین می‌کنند و به همین خاطر، به تنبلی و بیکاری متمایل می‌شوند، اما اگر جمعیت متراکم باشد، مردم از روی الزام و اجبار به کار و

نسبت به خطر رشد جمعیت و تأثیر آن بر محیط‌زیست اظهار نظر کرده‌اند. مارگات مید مردم‌شناس آمریکایی عنوان می‌کند که جمعیت زیاد تعادل اکولوژیکی را به هم می‌زند؛ زیرا مواردی که انسان به صورت غذا، لباس و سایر کالاهای کارخانه‌ای مصرف می‌کند، قابل برگشت به طبیعت نیست. همچنین با از بین رفتن جو زمین بر اثر برهم خوردن تعادل اکولوژی، این خطر وجود دارد که گرمای زیاد باعث شود که اقیانوس‌ها نتوانند وظیفه خنک نگه‌داشتن زمین را عهده‌دار شوند و در نتیجه، زمینه مساعد تولیدات از بین خواهد رفت. وی نتیجه می‌گیرد که سلامت کره‌خاکی به حفظ تعادل بین جمعیت، طبیعت و محیط‌زیست وابسته است (اطاعت، ۱۳۹۰، ص ۱۳).

۱-۱. دیدگاه اسلام درباره جمعیت: اگرچه گفته می‌شود دین اسلام با افزایش جمعیت موافق است و از ظاهر برخی آیات و روایات نیز برای تأیید این مطلب استفاده می‌شود، اما در بین فقها و اندیشمندان اسلامی نظریات متفاوتی در این خصوص وجود دارد. برخی معتقدند که از دیدگاه اسلام، طلب فرزند و کثرت نسل مطلوبیت ذاتی دارد. مقصود از مطلوبیت ذاتی، مطلوبیت این امر با قطع نظر از شرایط اجتماعی و سیاسی مربوط به فرد و جامعه است؛ یعنی مطلوبیتی که الزاماً با شرایط دنیایی و مادی زندگی اجتماعی و فردی پیوند ندارد و در مقابل، ریشه در جنبه معنوی و فرامادی حیات انسان دارد. در نظریه «مطلوبیت معنوی»، فزونی یافتن عدد مسلمانان صرفاً به منزله ابزاری برای تأمین شوکت و قدرت مادی جامعه اسلامی و یا منافع دنیایی پدر و مادر مسلمان دیده نمی‌شود، بلکه مطلوبیت آن ریشه در ارج و ارزشی دارد که مکتب اسلام برای یک فرد

روزافزون جمعیت به مخالفت برخاسته‌اند. افلاطون در راستای جمعیت متناسب و استفاده مطلوب از امکانات، جمعیت ۵۰۴۰ نفری را برای شهرها آرمانی می‌داند (شیخی، ۱۳۷۲). مکاتب اپیکوریان و رواقیان نیز از جمله مخالفان افزایش جمعیت بوده‌اند. در اواخر سده هجدهم توماس آلبرت مالتوس کشیش و جمعیت‌شناس انگلیسی از مخالفان جدی رشد جمعیت، در سال ۱۷۹۸م، در کتابی تحت عنوان تحقیق درباره اصل جمعیت و تأثیر آن در پیشرفت جامعه به ارتباط بین جمعیت با منابع طبیعی پرداخت. وی با استفاده از قانون بازده نزولی و همچنین افزایش تصاعدی جمعیت در مقابل نسبت حسابی مواد غذایی، عدم تعادل و توازن جمعیت و وسایل معیشت را موجب بحران دانست.

جان استوارت میل اقتصاددان و فیلسوف سیاسی در اواسط قرن نوزدهم، کثرت جمعیت در خانواده را به عنوان قباحتی نظیر میخوارگی تلقی می‌نماید. برتراند راسل رشد فزاینده جمعیت را خطری معادل به کارگیری بمب هیدروژنی تلقی نموده و پیشنهاد می‌دهد که اگر یک صدم هزینه نظامی صرف کنترل موالید شود، نتیجه ارزانده‌ای به بار خواهد آورد (جانک، ۱۹۶۴). در بین پیشگامان جامعه‌شناسی دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی در سال ۱۹۳۳ تأثیر اندازه، تراکم و ترکیب جمعیت را بر جامعه و ساختار اجتماعی مورد تأکید قرار داد و توسعه اجتماعی را در گرو جمعیت متوازن دانست. به اعتقاد وی، عدم کنترل کمیّت و بهبود کیفیت مسائل مربوط به فقر، آلودگی محیط‌زیست، مسائل بهداشتی، کمبودهای هنری و فرهنگی را برای جوامع به وجود می‌آورد. برخی از صاحب‌نظران نیز از منظری زیست‌شناسانه

اطمینان بخشی وجود داشته باشد که وجود فرزندان زیاد موجب در حرج قرار گرفتن والدین و نابسامانی زندگی آنان یا بازماندن از امور معنوی به خاطر اشتغال بیش از حد به امور فرزندان می‌شود، کثرت فرزندان رجحانی نخواهد داشت. بنابراین، توجه به کثرت عددی به معنای عدم جواز اعمال هرگونه کنترل و محدودیت نیست (رجیبان، ۱۳۸۶، ص ۱۶).

۲. بررسی چالش‌های رشد جمعیت بر روی شهرها
 جمعیت دربرگیرنده زمینه‌ها و موضوعاتی از ترکیب اجتماعی جمعیت است. مواردی نظیر وضعیت تأهل، موقعیت جغرافیایی، موقعیت آموزشی و تحصیلی، وضعیت خانواده، نژاد، زبان، مذهب، موقعیت اشتغال و نیروی انسانی، صنعت و... از جمله مواردی هستند که در قالب جمعیت‌شناسی اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (آشفته‌تهرانی، ۱۳۸۱، ص ۵۷). در ادامه مطلب به برخی از چالش‌های رشد جمعیتی پرداخته می‌شود.

۲-۱. رشد جمعیت در سن کار: در اکثر کشورهای جهان سوم، بیکاری و بیکاری پنهان، در حال افزایش است. برنامه‌ریزان برای اشتغال کامل معمولاً برنامه‌ریزی می‌کنند، و ایجاد اهداف اشتغال به ندرت براساس پیش‌بینی رشد نیروی کار می‌باشد. برنامه‌ها معمولاً به تولید تأکید می‌ورزند تا اشتغال (ساعی ارسی، ۱۳۸۰، ص ۴۷).

۲-۲. افزایش سن مدرسه‌رو: تغییر توزیع سن یک جمعیت، هم در تقاضا برای آموزش و هم ظرفیت یک جامعه برای تأمین تقاضا را تحت شعاع قرار می‌دهد. ترکیب سن یک جمعیت معمولاً به وسیله باروری در گذشته تعیین می‌شود تا به وسیله مرگ و میر. اکثر کشورهای جهان سوم دارای سطوح بالای

موحد و گوبنده «لااله الا الله» به عنوان هدف آفرینش او قایل است و نیز به خاطر تأثیری است که این امر در سعادت‌مندی معنوی پدر و مادر به عنوان مخاطبان اصلی این دستور الهی دارد و این همان چیزی است که علامه طباطبائی آن را نقش نسل مسلمان در ساختن جامعه‌ای توحیدی عاری از شرک و فساد معرفی کرده و تحقق آن را مهم‌ترین مقصد شریعت و دین دانسته است (www.sadrsite.com).

قریب به اتفاق علما و فقهای اسلامی چنین دیدگاهی دارند و دلایل آنها بدین صورت است که اگرچه بچه دار شدن واجب نیست، ازدیاد فرزند نیز واجب نمی‌باشد، اما کاری بسیار پسندیده است و به خاطر بهانه‌های سست و بی‌پایه نمی‌توان از آن سر باز زد. وظیفه دولت اسلامی است که مردم را به سوی آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دعوت نمود، سوق دهد. اما اگر عوارض جانبی مانند اضطراب وجود داشت، اشکالی در منع موقت آن نیست، لکن در صورت امکان، دولت باید با برنامه‌ریزی درست درصدد رفع اضطراب باشد تا دوباره زمینه ترغیب به آنچه پیامبر تشویق می‌فرمود، فراهم شود و مردم، به داشتن فرزند متعدد تشویق شوند (خرازی، ۱۳۷۹، ص ۴۱-۶۹). اما در مقابل، برخی دیگر معتقدند که اسلام گرچه به تکثیر موالید توصیه و ترغیب نموده است، اما شواهد فراوان نشان می‌دهد که تنها تکثیر عددی منظور نیست. فزونی کمی و کیفی هر دو باید مورد لحاظ قرار گیرد. به عبارت دیگر، آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به آن توصیه نمودند، تکثیر فرزندان شایسته و نیکوست و بدون شک، توجه به کیفیت و ابعاد روحی و جسمی فرزندان، موجب محدودیت‌هایی در تولیدمثل خواهد شد. اگر نشانه‌های

جمعیت نوزادان بالا، نیازمند افزایش تسهیلات پزشکی فزاینده می‌باشند. معیارهای بهداشت عمومی به مقیاس وسیعی با کاهش داخلی مرگ و میر مربوط می‌شود. خدمات بهداشتی شخصی به‌مثابه خدمات ناکافی ولی ضروری در این کشورها تشخیص داده می‌شود (همان، ص ۵۷).

۲-۶. فشار جمعیت بر مسکن: تولید مسکن با افزایش جمعیت یا خانواده‌های تازه تشکیل یافته در ارتباط است. در کشورهای جهان سوم کمبودهای مسکن در رابطه با مهاجرت و شهرنشینی مورد توجه قرار می‌گیرد. یکی از نیازهای ناشی از رشد جمعیت، مسکن می‌باشد (همان، ص ۵۸).

۲-۷. فشار جمعیت بر رفاه فردی یا خانواده: در برخی کشورهای جهان سوم، اثرات رشد جمعیت بر رفاه فردی و رفاه خانواده مورد توجه قرار می‌گیرد. برای مثال، سلامتی مادران و کودکان و توزیع منابع کمیاب بین اعضای خانواده‌های پرجمعیت حایز اهمیت است. اغلب این فشارها در تنظیم خدمات برنامه‌های تنظیم خانواده معقول بحث می‌شود. تعدادی از کشورهای جهان سوم، به‌طور غیرمستقیم، فشار جمعیت بر معیارهای زندگی فردی و خانواده را در سایر چالش‌های جمعیت مطرح می‌کنند (همان، ص ۶۰).

۲-۷. تراکم بالای جمعیتی شهرها: برخی از کشورهای جهان سوم به پرسمان تراکم جمعیت شهری و یا منطقه‌ای توجه کرده‌اند. تراکم جمعیت در شهرها و مناطق به نبود سیاست‌های جامع جمعیتی و به‌ویژه به نبود سیاست‌های مهاجرتی مربوط می‌شود (همان، ص ۶۲).

۲-۹. سطح زندگی پایین جمعیت: در کشورهای جهان سوم، سطح زندگی با معیارهای زندگی سالم

باروری می‌باشند، که در ساختار سنی جوان اثر می‌گذارد. تحت این شرایط اندازه مطلق نسبت به جمعیت در گروه‌های در سن مدرسه به‌طور زیاد افزایش می‌یابد. در عین حال، نسبت کاهش‌یابنده جمعیت از نسل‌های در سن کار باید نیازهای آموزشی جمعیت جوان در حال افزایش را تأمین کند. بدین سان، ظرفیت اجتماعی برای تأمین هزینه‌های آموزشی برای هر دانش‌آموز در گذشته کاهش یافته است (همان، ص ۴۸).

۲-۳. کاهش رشد اقتصادی به وسیله رشد جمعیت: در اکثر کشورهای جهان سوم، رشد اقتصادی به وسیله رشد جمعیت کاهش می‌یابد. در حقیقت، رشد جمعیت، درآمد سرانه را کاهش می‌دهد. در این قبیل کشورها، رابطه بین جمعیت و روند توسعه ملاحظه نمی‌شود، ولی سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای محدود کردن اثر رشد جمعیت روی درآمد سرانه محاسبه می‌شود (همان، ص ۵۱).

۲-۴. فشار جمعیت بر خدمات اجتماعی: افزایش جمعیت هزینه کارآیی و ماهیت خدمات اجتماعی و رفاهی دولت را در کشورهای جهان سوم تحت تأثیر قرار می‌دهد. فشار جمعیت ناشی از مهاجرت به نواحی شهری در کشورهای جهان سوم کاملاً مشهود است. در اکثر موارد، این مقوله، طبقه‌بندی بهداشت، آموزش و مسکن را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان، ص ۵۳).

۲-۵. فشار جمعیت بر خدمات بهداشتی: رشد سریع جمعیت نیاز به خدمات بهداشتی را افزایش می‌دهد و شهرنشینی، تسهیلات پزشکی جاری را در ارائه خدمات به آنها با مشکل مواجه می‌کند. خدمات بهداشتی در کشورهای جهان سوم باید گسترش یابد تا بتواند نسبت ناکافی جاری خدمات به جمعیت را تأمین کند. در این کشورها، جمعیت با باروری بالا و با

این کشورها، به تدریج جوانی جمعیت به پدیده سالمندی جمعیت تبدیل می‌شود. نسبت‌های اجتماعی از یک سو و نبود امکانات نگه‌داری از جمعیت سالخورده از سوی دیگر، پرسمان‌های خاص را برای جمعیت در پیش خواهد داشت.

۲-۱۲. پرسمان مهاجرت: در کشورهایی که میزان رشد طبیعی جمعیت آنها بالاتر از میزان رشد اقتصادی آنهاست، اقدام به مهاجرت وجود دارد. مهاجرت با پدیده شهرنشینی عجین است. همواره به دنبال توسعه شهرنشینی، مهاجرت صورت می‌گیرد. به تعبیری دیگر، همیشه به دنبال مهاجرت، توسعه شهرنشینی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. مهاجرت نشانه و نمادی از تفاوت‌های گسترده در شرایط اقتصادی و اجتماعی بین مبدأ و مقصد می‌باشد (همان، ص ۹۷).

۲-۱۳. تأثیر مهاجرت بر محیط‌زیست: پدیده مهاجرت بر محیط‌زیست تأثیر متقابل بر یکدیگر دارند. مهاجرت به مثابه یکی از ارکان عمده جمعیت‌شناسی، جایگاه مهمی در افزایش و کاهش و نیز رشد طبیعی در جوامع مختلف پیدا کرده است. مهاجرت همچنین بر محیط‌زیست تأثیر دارد و تراکم جمعیت، آلودگی، بی‌سازمانی اجتماعی، بروز انحرافات جدید و... از آثار آن به شمار می‌رود. محیط‌های جدید و شهری بر ویژگی‌های رفتاری، کنش‌های اجتماعی و چگونگی شخصیت افراد نیز تأثیر می‌گذارد؛ از جمله روی رفتار باروری جمعیت مهاجر تأثیر بسزایی دارد (همان، ص ۹۴).

۲-۱۴. پدیده حاشیه‌نشینی: دو پدیده شهرنشینی و مهاجرت به عنوان پیامدهای رشد جمعیت از یک سو، و تغییرات اجتماعی از سوی دیگر، به‌طور وسیعی در نقاط مختلف جهان در جریان است. کشورهای جهان

همخوانی ندارد. سطح زندگی پایین باعث کاهش کیفیت زندگی مردمان این کشورها می‌شود. نبود همخوانی بین جمعیت و توسعه، سطح زندگی، جمعیت را در سطوح پایین نگه می‌دارد.

۲-۱۰. فشار جمعیت بر منابع: در کشورهای جهان سوم، محدودیت منابع غذایی، انرژی، آب و... از یک سو، و افزایش جمعیت و بالا بودن میزان‌های رشد جمعیت از دیگر سو، موجب عدم تعادل بین جمعیت و منابع می‌شود. کمبود منابع بر بهداشت و تغذیه جامعه اثرات سوئی دارد. یکی از پیامدهای مستقیم رشد جمعیت، فشار بر ذخایر و منابع آب در جهان به‌طور عام و جوامع رو به توسعه به‌طور خاص است. افزایش جمعیت، تغییر الگوهای مصرف، بالا رفتن سطوح بهداشت فردی و... همگی مصرف آب را افزایش می‌دهند. رشد جمعیت نه تنها نیازهای آب انسان‌ها را افزایش می‌دهد، بلکه به تسریع مشکلات محیطی چرخه آب به‌عنوان یک دستاورد تولید بیشتر غذا و سوخت کمک می‌کند. از جمله این مشکلات، می‌توان به از بین رفتن جنگل‌ها و سایر استفاده‌های نامناسب و مخرب از زمین، افزایش زباله، استفاده از سموم دفع آفات و کودهای شیمیایی و افزایش گازهای گلخانه‌ای اشاره کرد که موجب گرم شدن آب و هوای جهانی می‌شود. بسیاری از این فعالیت‌ها علاوه بر اینکه امکان ذخیره‌سازی را بسیار محدود می‌کنند، آب‌های موجود را نیز آلوده می‌سازند (شیخی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۱).

۲-۱۱. پرسمان سالخوردگی جمعیت: در کشورهای جهان سوم به علت افزایش خدمات بهداشتی و درمانی و مهار مرگ و میر و در نتیجه، افزایش امید به زندگی در

جدول ۲: فرصت‌ها و چالش‌های رشد جمعیت بر شهرها

چالش‌ها	فرصت‌ها
- افزایش مهاجرت‌ها	- تأمین منابع انسانی
- فشار جمعیت بر خدمات بهداشتی	- جوانی جمعیت
- فشار جمعیت بر مسکن	- اقتصاد پویای شهری
- فشار جمعیت بر رفاه فردی و خانواده	- نیروی کار ارزان
- فشار جمعیت بر غذا و تولیدات کشاورزی	
- تراکم بالای شهرنشینی	
- پیدایش حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها	
- فشار جمعیت بر محیط‌زیست	
- فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی	
- فشار جمعیت بر منابع	
- ترافیک سنگین در شهرها	
- سطح زندگی پایین در شهرها	
- بیکاری	
- مهاجرت	
- کاهش خدمات شهری	
- آلودگی زیست‌محیطی	
- کاهش امنیت اجتماعی	

(مأخذ: نگارنده)

۳-۱. آثار مثبت جمعیت: با توجه به اینکه بیشترین فراوانی جمعیتی مربوط به دهه ۶۰ است و بعد از آن در دهه هفتاد سیاست‌های تنظیم خانواده در کشور باعث روی آوردن بیشتر خانواده‌های ایرانی به تک‌فرزندی گردید، از نظر نگارنده، این وضعیت به‌طور طبیعی در سال‌های آتی جمعیت کشور را به جمعیت پیر و سالخورده مبدل و کشور را دچار بحران خواهد نمود. از نظر نگارنده، نکات و اثرات مهم افزایش جمعیت در کشور به شرح زیر است:

- جلوگیری از پیر شدن جمعیت کشور؛
- جوان شدن جمعیت کشور و تأمین منابع انسانی و

سوم که در آنها شهرنشینی در مدت کوتاهی به‌طور وسیع صورت گرفته است، از مشکلات و نتایج آن اغلب در رنجند؛ چراکه شهرنشینی با رشد صنعتی شدن در این کشورها شکل نگرفته است. گسترش انحرافات، افزایش بیکاری، آلودگی محیط‌زیست و حاشیه‌نشینی از جمله پیامدهای مستقیم شهرنشینی در این جوامع می‌باشد (همان، ص ۱۴۵).
۳-۱۵. فقر و ناهنجاری‌های اجتماعی: میزان بالای رشد جمعیت، عامل عمده فقر در کشورهای در حال توسعه است. رشد تولید ناخالص داخلی در کشورهای صنعتی به معنای بالا رفتن میزان درآمد سرانه برای مردم آن کشورهاست. درحالی‌که چنین تناسب و برابری درباره کشورهای رو به توسعه وجود ندارد. یکی از راه‌های بالا بردن سطح زندگی کشورهای رو به رشد، پایین آوردن میزان رشد جمعیت می‌باشد. رشد جمعیت با موضوعاتی همچون توسعه و سیاست‌گذاری‌های عمومی دولت‌ها در ارتباط است. رشد سریع جمعیت فشارهای بیشتری بر منابع موجود وارد می‌کند و در بسیاری از کشورها که مردم برای معیشت خود بیشتر به کشاورزی وابسته هستند، افزایش جمعیت در آنها، توازن بین منابع طبیعی و جمعیت را تهدید می‌نماید. رشد سریع جمعیت همچنین آهنگ شکل فعلی تحول اقتصادی-اجتماعی را پیچیده‌تر می‌نماید (همان، ص ۱۵۰).

۳. فرصت‌ها و چالش‌های جمعیت بر شهرها

در ادامه بحث، نگارنده به‌طور اجمالی به فرصت‌ها و چالش‌های افزایش جمعیتی شهرها پرداخته و به فرصت‌ها و چالش‌های موجود در این زمینه اشاره کرده است.

۳-۳. مهاجرت معکوس (از روستا به شهرها یا از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک): در لایحه برنامه پنجم توسعه ایران، یک ماده به توسعه روستایی اختصاص دارد که به صورت مفصل در ۱۳ بند به موضوعاتی مانند به‌سازی روستاها، ارتقای شاخص‌های توسعه روستایی و حمایت مالی کشاورزان از طریق اعطای تسهیلات و همچنین گسترش بیمه اجتماعی روستاییان پرداخته است.

بر اساس این ماده، دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی راهبردی و نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی و عشایری و جامعه شهری حمایت لازم را از اقداماتی که در این ماده ذکر شده به عمل آورد.

همچنین مقرر شده است شاخص‌های توسعه روستایی و ارائه خدمات نوین و تهیه برنامه اولویت‌بندی خدمات روستایی با توجه به شرایط منطقه‌ای و محلی ارتقا یابد. دولت باید از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی، کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهادها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی با اولویت مراکز دهستان‌های دارای قابلیت توسعه حمایت کند. از جمله عواملی که می‌تواند بر مهاجرت معکوس و به تبع آن، توسعه روستایی کمک نماید، بحث فناوری اطلاعات و ارتباطات خواهد بود؛ چراکه براساس

کارآمد در تخصص‌های مختلف برای پیشرفت کشور؛ - فعالیت جمعیت شهری و روستایی و رونق گرفتن بخش تولیدی کشور و در نتیجه، رشد صادرات غیرنفتی؛

- سامان‌دهی جمعیت و به‌کارگیری آن در ارتقای امنیت ملی؛

- رشد حیات اقتصادی شهرها با توجه به فعالیت‌های مختلف جمعیتی؛

- ظرفیت بالقوه جمعیتی در برابر تهدیدها و حملات کشورهای خارجی؛

- تأمین منابع انسانی کشورهای همسایه به دلیل پیری جمعیت و ارزآوری برای کشور؛

۳-۲. روند جمعیت شهرنشینی از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰: اگر نگاهی به رشد شهرنشینی در کشور بیندازیم، خواهیم دید که از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ روند شهرنشینی رشد داشته و سالیانه بر تعداد شهرنشینان افزوده می‌شود تا آنجاکه در آخرین سرشماری که در سال ۹۰ صورت‌گرفت ۷۱/۴ درصد مردم در شهرهای کشور سکونت داشته و فقط ۲۹/۶ درصد ساکن روستاها هستند. در جدول (۳) روند جمعیت شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ آورده شده است:

جدول ۳: جمعیت کل شهری، درصد و نرخ رشد در هفت دوره

سرشماری (۱۳۳۵-۱۳۹۰)

سال	جمعیت کل	جمعیت شهری	نرخ شهرنشینی	نرخ رشد
۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۹۹۷۱۶۱	۳۱/۴	-
۱۳۴۵	۲۵۰۷۸۹۲۳	۹۷۱۴۶۱۲	۳۹	۴/۹
۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۵۸۰	۴۷	۵
۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۹	۲۶۹۵۲۸۹۴	۵۴/۳	۵/۴
۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۵۱۹	۳۶۸۰۸۴۰۰	۶۱/۳	۳/۱
۱۳۸۵	۶۹۲۸۶۹۱۳	۴۸۲۴۲۷۹۷	۶۹/۶	۲/۷
۱۳۹۰	۷۵۷۶۸۱۴۸	۵۷۱۴۲۹۳۱	۷۱/۴	۱/۶

(نظریان، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰)

سقف جمعیتی متناسب با هر زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های موجود فراتر رود، خودبه‌خود مدیران و برنامه‌ریزان شهری با بحران و چالش‌های عدیده‌ای برای برآورده ساختن نیازهای ساکنان شهرها مواجه می‌شوند و جمعیت مهاجر به شهرها بر منابع، مسکن، ترافیک، خدمات، آلودگی زیست‌محیطی و... فشار وارد کرده و شهرها را از مسیر شهرهای پایدار خارج می‌سازند. پس در این زمینه باید قوانینی در رابطه با مهاجرت روستا - شهری وضع شود و امکانات و تسهیلاتی برای روستاییان فراهم گردد تا روستاییان رغبت بیشتری برای ماندن در روستاها پیدا کرده و به کار و فعالیت در روستا مشغول شوند تا از این طریق، هم از روند گسترش شهرنشینی کاسته شود و هم چرخه تولید ملی که روستاییان نقش بسیار مهمی در آن ایفا می‌کنند شکوفا شده و کشور را از واردات محصولات کشاورزی و دامی بی‌نیاز کنند و ضمن افزایش سهم صادرات غیرنفتی ما در جهان، کشور را به سوی پیشرفت و آبادانی سوق دهند.

از نظر نگارنده، افزایش جمعیت شهرها که به تبع آن، رشد توسعه شهرها را در پی خواهد داشت، باعث کاهش هزینه‌های شهر خواهد شد. این امر، منوط به توزیع فضایی مناسب جمعیت و برقراری عدالت اجتماعی در سطح شهرها خواهد بود. با این کار، می‌توان با نگاهی خوش‌بینانه به افزایش جمعیت، امکانات و بسترهای یک زندگی سالم را برای جمعیت اضافه‌شده فراهم کرد. افزایش جمعیت اگر به‌طور صحیح سامان‌دهی شود، پویایی شهرها را به دنبال خواهد داشت و یک کشور با پشتوانه نیروی جمعیتی جوان می‌تواند قله‌های پیشرفت و ترقی را یکی پس از دیگری فتح کند.

شواهد، بسیاری از مهاجرت‌های صورت‌گرفته از روستا و یا شهرهای کوچک به کلان‌شهرها، نبود امکانات زیرساختی و همچنین امکانات و فناوری جدید می‌باشد. پدیده فناوری اطلاعات و ارتباطات روستایی که اولین بار در کشور هند و در امور کشاورزی مورد استفاده قرار گرفت، پس از آن در کشورهایی همچون سنگال، آمریکا و کانادا دنبال شد. این تجربه در ایران نیز اولین بار در روستای شاهکوه در سال ۱۳۷۹ مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفت. پدیده فناوری اطلاعات می‌تواند کمک شایان توجهی در بخش‌های مختلف آموزشی، زیست‌محیطی و... به روستاییان نماید. تحقق این مهم باعث افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه، نیل به توسعه روستایی و به تبع آن توسعه کشور خواهد شد (www.wikipedia.org).

۳-۴. سیاست‌های کنترل جمعیت بر زندگی شهرنشینان: آنچه که می‌توان در رابطه با رشد جمعیت شهرها متذکر شد، این است که بعد از سیاست‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در سطح شهرها، خانواده‌های شهرنشین بخصوص در کلان‌شهرها به سوی تک‌فرزندی روی آورده و نرخ رشد سالیانه جمعیت شهرنشینی کاهش یافته است، ولی نکته قابل تأمل این است که روزه‌روز مهاجرت‌های روستایی به سوی شهرها افزایش یافته و ترکیب جمعیتی شهرها را بر هم می‌زند. از این رو، مدیران و برنامه‌ریزان شهری مجبور خواهند شد شهر را در ارتباط با سیل عظیم مهاجرت‌های روستایی آماده سازند. این امر، کاری بسیار مشکل و پیچیده است؛ چراکه هر شهر زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های مشخصی برای پذیرش جمعیت در خود دارد و اگر از

نتیجه‌گیری و راهکارها

- آماده ساختن زیرساخت‌ها، اشتغال و... در

شهرها متناسب با جمعیت‌پذیری؛

- سیاست‌های تشویقی دولت برای مهاجرت معکوس، یعنی از شهر به روستا، به‌منظور تعادل‌بخشی بین جمعیت روستا و شهر در راستای توسعه پایدار شهری؛

- قانون‌گذاری در ارتباط با سقف جمعیتی

مشخص برای شهرها و پذیرش جمعیت مهاجر؛

- تجدیدنظر در رابطه با شهرهای جدید و مهیا

ساختن این شهرها برای جمعیت مهاجر روستایی؛

- دادن تسهیلات و امکانات به روستاییان کشور

برای رونق کشاورزی و دامداری در روستاها برای

جلوگیری از مهاجرت به شهرها؛

- ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی به

منظور جلوگیری از مهاجرت نسل جوان روستاها به

شهر در راستای توسعه پایدار شهری.

با توجه به نظریات مختلف جمعیتی، می‌توان از «جمعیت» هم به‌عنوان فرصت نام برد؛ در صورتی‌که بسترهای لازم برای فعالیت همه‌جانبه جمعیت وجود داشته باشد و از آن به‌طور بهینه استفاده شود و هم از آن به‌عنوان یک چالش یاد کرد؛ زمانی که هیچ‌گونه برنامه‌ای برای افزایش جمعیت تجویز نشده باشد. افزایش جمعیت بدون برنامه‌ریزی، مخاطرات و مشکلات اساسی را در جنبه‌های مختلف (از جمله بیکاری، ناامنی، فساد و...) برای یک کشور در پی خواهد داشت.

در منابع گوناگون، از جمعیت به‌عنوان عاملی اثرگذار در قدرت جوامع یاد شده و جایگاه ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است.

در رابطه با کشور ایران، باید این نکته مهم را یادآور شد که جمعیت ایران با روند کنونی، در سال‌های آتی به سمت کشوری پیر و سالخورده تبدیل خواهد شد که مشکلات عدیده‌ای از جمله پیری جمعیت، کمبود نیروی جوان و فعال، کاهش تولید کشور (به علت کاهش نیروی انسانی)، و تهدیدهای نظامی علیه کشور (به دلیل کاهش نیروهای نظامی) را به دنبال خواهد داشت. به همین منظور، برنامه‌ریزی مدون و صحیح و بسترسازی لازم برای جمعیت‌گامی مؤثر در راستای توسعه پایدار شهری خواهد بود.

در پایان بحث، برای شهرهای پایدار در رابطه با جمعیت، راهکارهایی به شرح زیر ارائه شده است:

- تجدیدنظر در سیاست‌های کنترل جمعیت و

تنظیم خانواده با رویکرد جلوگیری از پیری جمعیت؛

- سیاست‌های تشویقی دولت برای افزایش جمعیت

از طریق مزایا و تسهیلات ویژه برای خانواده‌ها؛

قربانی، مهدی و همکاران، «بررسی تغییرات جمعیتی و اثرگذاری‌های آن بر تغییرات کاربری اراضی (مطالعه موردی: منطقه بالاطالقان)» (۱۳۸۹) **مرتفع و آبخیزداری**، دوره شصت و سوم، ش ۱، ص ۸۸-۷۵.

کاظمی، موسی (۱۳۷۹)، **توسعه پایدار شهری: مطالعه موردی قم**، مجموعه مقالات اولین همایش مدیریت و توسعه شهری پایدار در نواحی شهری تبریز.

کتابی، احمد (۱۳۶۴)، **نظریات جمعیت‌شناسی**، تهران، اقبال. کلاهی رسول (۱۳۴۹)، **جغرافیای جهان سوم، بنیان‌های اجتماعی و مشخصات اقتصادی**، شیراز، دانشگاه شیراز. مرصوصی، نفیسه و رحمت‌الله بهرامی، (۱۳۸۹)، **توسعه پایدار شهری** (جزوه درسی دانشگاه پیام نور). موحد، علی «توسعه پایدار شهری» (۱۳۷۹)، **مسکن و انقلاب**، ش ۹۱.

مینایی، حسین، یعقوب زهدی، «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۹۱)، **راهبرد دفاعی**، سال دهم، ش ۳۹، ص ۷۳-۱۱۲. نظریان، اصغر (۱۳۹۱)، **پویایی نظام شهری ایران**، چ سوم، تهران، مبتکران.

نوریان، فرشاد، «کاربرد سیستم اطلاعاتی در مدیریت برنامه‌ریزی شهری در ایران» (۱۳۷۹)، **مدیریت شهری**، ش ۴.

Jenks, Mike & Jones Colin (ed) (2010), *Dimension of the Sustainable City*, CRC Press.

Junk, W (1964), *Population Crisis-and the use of World*, Resourse Publishers the Hague.

منابع

آشفته‌تهرانی، امیر (۱۳۸۱)، **جمعیت‌شناسی و تحلیل جستارهای جمعیتی**، تهران، گسترده.

اطاعت، جواد، «جمعیت و توسعه پایدار در ایران» (۱۳۹۰)، **رفاه اجتماعی**، سال یازدهم، ش ۴۲.

الهی، همایون (۱۳۶۷)، **امپریالیسم و عقب‌ماندگی**، تهران، شرکت انتشاراتی افست.

برآبادی، محمود، «توسعه پایدار شهری» (۱۳۸۳)، **شهرداری‌ها**، سال ششم، ش ۶۱.

بهنام، جمشید (۱۳۴۸)، **جمعیت‌شناسی جهان**، تهران، سمت. پاتر، رابرت و سلی لوید ایونز (۱۳۸۴)، **شهر در جهان در حال توسعه**، ترجمه کیومرث ایران‌دوست و همکاران، تهران، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.

پورموسوی، موسی، «پارادایم توسعه پایدار شهری و پایداری شهری» (۱۳۸۵)، **آبادیوم**، ش ۶.

خرازی، محسن، «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی» (بهار ۱۳۷۹)، **فقه اهل‌بیت**، ش ۲۱، ص ۴۱-۶۹.

رجبیان، زهره، «کنترل موالید از دیدگاه اسلام» (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۶)، **حوراء**، ش ۲۴.

رهنما، محمدرحیم (۱۳۸۸)، **برنامه‌ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوری‌ها، تجربیات و تکنیک‌ها)**، مشهد، دانشگاه فردوسی.

ساعی‌ارسی، ایرج، «پرسமான‌های اقتصادی - اجتماعی جمعیت ایران: یک جستار نظری» (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی**، ص ۶۹-۹۷.

ساعی‌ارسی، ایرج (۱۳۸۰)، **ملاحظات جمعیتی در برنامه‌ریزی های توسعه در ایران**، ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی.

شیخی، محمدتقی (۱۳۷۵)، **جمعیت‌شناسی اقتصادی و اجتماعی**، تهران، شرکت سهامی انتشار.

شیخی، محمدتقی (۱۳۷۲)، **در زمینه جامعه‌شناسی جمعیت**، تهران، سفیر.

شیعه، اسماعیل (۱۳۸۳)، **با شهر و منطقه در ایران**، تهران، دانشگاه علم و صنعت ایران.

عابدین درکوش، سعید (۱۳۸۷)، **درآمدی به اقتصاد شهری**، چ نهم، تهران، نشر دانشگاهی.

قدیمی، حجت‌الله، «فناوری اطلاعات و مدیریت توسعه شهری» (۱۳۷۹)، **شهرداری‌ها**، سال دوم، ش ۲۳.